

# جهان‌شهر

شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳

شماره ۴۳۴۳

فروشگاه روزانه

FARHIKHTEGANDAILY.COM

فروشگاه آنلاین

FARHIKHTEGANONLINE

مقاومت در فلسطین چطور توانست در فقدان فرماندهان پیروز شود؟

# جهان آرای غزه



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

حماس به اندازه یک شاهنامه اسطوره دارد. این اسطوره‌ها فرزندان آوارگانی بودند که چاقو و تفنگ به دست گرفته، دستگیر شدند، تخمیر شدند ولی از پا نشستند. اصرار آن‌ها بر مسیر روشنشان برای آزادی سرزمین فلسطین گام‌به‌گام آن‌ها را بالابرد. در آخرین منازل، آن‌ها به افراد مشهور و در نهایت به اسطوره تبدیل شدند. اگر افراد مشهور در دوره حیات و اندکی پس از آن نامشان در رسانه‌ها و یادشان در قلب‌هاست، اسطوره‌ها به طول تاریخ شهرت را یندک می‌کشند. اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی، صالح العاروری نایب‌رئیس دفتر سیاسی و مسنول کرانه باختری، یحیی سنوار رئیس سازمان امنیتی و سپس جانشین هنیه به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی سه تن از شاخص‌ترین مقام‌های عالی‌رتبه حماس بودند که طی جنگ شهادت‌آن‌ها تایید شده بود. چند روز پس از پایان یافتن جنگ و آرام گرفتن گرد و غبارها، درحالی‌که پیروزی غزه آشکار شده است، حماس شهادت چند فرمانده خود را تایید کرد. این افراد شامل محمد‌ضیف (ابوخالد) فرمانده کل گردان‌های القسام، «مروان عیسی» (ابوالبراء) معاون فرمانده کل گردان‌های القسام، غازی ابوطماعه (ابوموسی) فرمانده بخش تسلیحات و خدمات رزمی، «راند ثابت» فرمانده بخش نیروی انسانی، «رافع سلامه» (ابومحمد) فرمانده لشگر خان‌یونس، «احمد الغدور» (ابوانس) فرمانده لشکر شمال و ایمن نوفل (ابواحمد) فرمانده لشکر منطقه مرکزی گردان‌های القسام می‌شوند. این افراد

ماه‌ها پیش از اعلام آتش‌بس به شهادت رسیده‌اند.

ضیف، هنیه و سنوار سه‌گانه دنیای اسطوره‌های جهانند که طی جنگ ۱۵ ماهه از سرزمین فلسطین در جهان مطرح شدند. تامین اسطوره‌های جهان توسط فلسطینی موضوعی بدون پیامد نیست؛ چه اینکه نام مردم فلسطین به‌عنوان ملتی مظلوم و تحت ستم و البته بسیار مقاوم بر سر زبان‌ها افتاده است. امروز حتی مردم دیار «ارنستو چگورا» یکی از اسطوره‌های مبارزات آزادی‌بخشانه جهان نام فلسطین را در آمریکای لاتین فریاد می‌زنند.

### تحول مهم؛ پیروزی بزرگ در فقدان فرماندهان حاصل شد

پیروزی‌های نظامی غزه در شرایطی به دست آمد که دست‌کم ۶ ماه از شهادت فرماندهان بزرگ آن گذشته بود. این مسئله دلایلی دارد.

۱. **روحیه عمومی مبارزه**

وقتی روحیه مبارزه برای آزادی در میان فلسطینی‌ها قوت دارد، فقدان فرماندهان چندان رخ نمایی نمی‌کند. در نبود فرماندهان، مردم غزه تسلیم فشار بمباران‌ها و کرسنگی نشدند. این پایداری عاملی مهم در پیروزی بود.

۲. **ارتقای سازمان همراه با ارتقای افراد**

محمد ضیف همانند هر فرد موفق دارای خط سیر بوده است. قطعاً محمد ضیف ۲۰۱۳ و ۲۰۲۴ با ضیف ۲۰۱۴ و دهه ۲۰۰۰ متفاوت بوده و به مرور ویژگی‌های برجسته بیشتری کسب‌کرده است. اودرهر حال اگر شهید نمی‌شد، درنهایت به مرگ طبیعی از دنیا می‌رفت. با این حال ضیف و یارانش همراه با ارتقایی که خود یافتند، سازمان تحت مدیریت خود را هم برای کشف و تربیت استعدادها ارتقا دادند.

مقاومت در فلسطین چطور توانست در فقدان فرماندهان پیروز شود؟

## مقصد اول ترامپ: پول

**سعیده اسدی خبرنگار** واکنش کشورهای عربی به بازگشت دونالد ترامپ به قدرت عموماً مثبت بوده است. بسیاری از سران کشورهای عربی مانند پادشاه عربستان، امیر قطر و امیر کویت پیروزی او را تبریک گفتند و از روابط استراتژیک خود با آمریکا سسخن به میان آوردند اما در این بین روابط عربستان و آمریکا بیش از دیگر کشورهای عربی منطقه‌ای حائز اهمیت و توجه است. در سال ۲۰۱۷ و در دور اول ریاست جمهوری ترامپ، ریاض اولین مقصد سفر خارجی او بود؛ سفری که نشان دهنده اهمیت عربستان به‌عنوان یک شریک راهبردی در منطقه برای آمریکا بود و در تمام دوره چهارساله حضور ترامپ در قدرت، روابط دو کشور در حوزه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی رشد قابل توجهی داشت. در حال حاضر نیز حضور مجدد ترامپ در دفتر بیضی شکل و پاسخ او به سؤال خبرنگاران درخصوص اولین مقصد سفر خارجی نشان داد در صورتی که ریاض مانند دوره اول ریاست جمهوری وی قصد انجام مبادلات تجاری با واشنگتن را داشته باشد، این کشور همچنان می‌تواند اولین مقصد سفر خارجی او باشد. همچنین ترامپ پس از اولین گفت‌وگوی تلفنی با محمد بن سلمان، اعلام کرد: «عربستان سعودی باید حداقل ۶۰۰ میلیارد دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند.» این مواضع نشان از آن دارد که روابط دو کشور در دور دوم ریاست جمهوری ترامپ بیش از هر چیز متأثر از روابط و همکاری‌های اقتصادی خواهد بود و با توجه به روویکرد اقتصاد محور رئیس جمهور آمریکا، این موضوع به‌تنهایی می‌تواند متغیر تعیین‌کننده‌ای در ترسیم روابط در سایر حوزه‌های همکاری باشد؛ از طرفی برای عربستان سعودی نیز ایالات‌متحده شریک استراتژیک محسوب می‌شود و از آنجا که سعودی‌ها آشنایی خوبی با ترامپ و رویکرد معامله‌محور او دارند، در گذشته توانستند ترامپ را به‌شریک حمایتی خود تبدیل کنند، اکنون نیز سعودی‌ها امیدوارند تداوم رویکرد پیشین سبب همکاری مولد در بخش‌های مختلف بین دو کشور شود.

### مروری بر آنچه گذشت

ریاض اولین مقصد سفر ترامپ در دور اول ریاست جمهوری وین سلمان اولین رهبر خارجی بود که ترامپ با وی دیدار کرد. این سفر و دیدار نویدبخش روابط تازه‌ای بین دو کشور بود؛ روابطی که بیش از هر چیز بر منافع اقتصادی استوار بود، به‌طوری‌که ده‌ماه پس از این دیدار یک قرارداد تسلیحاتی به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار بین دو کشور به امضا رسید. سعودی‌ها درصدد بودند در مقابل سرمایه‌گذاری‌های میلیاردی در ایالات‌متحده، همراهی دولت جدید آمریکا را در مسائلی چون کاهش توان نظامی انصارالله یمن و مقابله با آن‌ها، کاهش قدرت منطقه‌ای ایران، حمایت از تغییر قدرت سیاسی سوریه، کاهش قدرت ششیعیان در عراق، حمایت از طرح عربستان برای راه‌اندازی و توسعه

نحسوه جنگیدن مبارزان مقاومت غزه در اواخر جنگ در جبالیا و در زمانی که تقریباً هیچ فرمانده سرشناس نظامی این گروه زنده نبود، بسیار سخت‌تر از دوره جنگیدن ضیف و یارانش در ابتدای راه بود. با اینحال این مبارزان به نسبت سن، ویژگی‌ها و کارآمدی بهتری از ضیف جوان نشان دادند. ضیف و یارانانش چنان یاوران خود را ارتقا دادند که آن‌ها از خود این فرماندهان نیز پیشی گرفتند.

۳. **نیاز کمتر به مهارت فرماندهی در میدان‌های کوچک**

جنگ در غزه در فقدان امکانات قابل توجه، نیازمند فرماندهی ظریف و هنرمندانه است، اما درهر حال جنگ در محیط کوچک، دشواری نبردهای بزرگ و فراگیر را ندارد.

۴. **جلب اعتماد مردم**

فرماندهان مقاومت غزه در برابر چشمشان مردم عمر و جوانی خود را صرف مبارزه کرده و به دلیل ضرورت زندگی پنهانی، از مواهب زیادی دست شستند. از سوی دیگر تحت تعقیب بودن و شهادت‌بی در پی این فرماندهان، به آن‌ها اعتبار زیادی نزد مردم بخشیده بود. این اعتماد سبب شد مردم حتی پس از فرماندهان، به توصیه‌ها اهداف و اقداماتشان وفادار بمانند.

۵. **اعتماد به مسیر**

چه با ضیف و چه بدون ضیف، مردم فلسطین خواهان راهایی سرزمینشان بوده و در این مسیر به وعده الهی ایمان دارند. این اعتماد و ایمان و فراتر از اشخاص بودن، مردم غزه را از بند شخصیت‌ها رها کرده است.

۶. **محدودیت‌ها، پلر خلاقیتد**

مقاومت به‌ویژه در داخل فلسطین با محدودیت‌های زیادی روبه‌روست. دشمن به‌شدت پیشرفته، مجهز و دارای انگیزه و اراده نابودی است. دشمن همچنین می‌تواند ضربات سنگین تحریمی، امنیتی و نظامی وارد کند. از این رو مقاومت با توجه به احتمال از دست رفتن تسلیحات، مسدود شدن مسیرهای تدارکاتی، کمبود منابع مالی و از دست رفتن سریع رهبران بر اثر ترور یا طی جنگ باید با منحصات خاصی ساماندهی شده و با دشمن بجنگند. ایسن محدودیت‌ها و تلاش مقاومت بر غلبه با آن‌ها، باعث پیداش راه‌هایی جدید برای مبارزه در شرایط وخیم شده است. حماس در طی جنگ ۱۵ ماهه واقعاً در شرایط وخیمی قرار داشت اما موفق به پیروزی شد. در غزه آن‌ها تحت تسلط دشمن قرار داشته و در قطر نیز میهمان متحد آمریکا بودند. حفظ و نگهداری شبکه و ارتباطات آن در چنین محیطی بسیار مشکل است.

۷. **تفاوت افراد مشهور با اسطوره‌های الهام‌بخش**

اسطوره‌های ملی معمولاً در طول تاریخ طولانی، محدودند. علی‌رغم این رویه سنتی و پرترکار، در جنگ اخیر اسطوره‌های زیادی حضور داشتند که از عمر مشهور بندششان نیز اندکی می‌گذشت. افراد مشهور وقتی از دنیا می‌روند، تاسف زیادی را در میان مردم بر می‌انگیزند اما الگوها و اسطوره‌ها بیشتر از زمان حضور الهام‌بخش می‌شوند.

به‌عنوان نمونه می‌توان به انتشار نحوه شهادت یحیی سنوار در میدان جنگ اشاره کرد که توسط صهیونیست‌ها به عنوان سند افتخار منتشر شد اما شخصیت اسطوره‌ای سنوار باعث شد این فیلم منجر به محبوبیت بیش از پیش و الهام‌بخشی او به مبارزان شود.

### فرماندهان چگونه به شهادت رسیده‌اند؟ ترور یا اتفاق؟

نمی‌توان شهادت تمام فرماندهان را بر اثر ترورهای هدفمند دانست. در یکی از مهم‌ترین وقایع مرتبط با شهادت فرماندهان حماس، یحیی سنوار

مقاومت بیشتر از فرماندهانی که از دست داد، فرماندهان خود را از



## شاخصی برای تعیین طرف پیروز

در دو سوی جنگ طرفین در حال تعیین جانشین فرماندهان پیشین هستند؛ در سمت مقاومت فرماندهان جدید به این دلیل نصب می‌شوند که فرمانده قبلی به شهادت رسیده‌است اما در سمت رژیم صهیونیستی فرماندهان جدید جانشین کسانی می‌شوند که به دلیل شکست استعفا داده یا برکنار شده‌اند.

در فلسطین قرار است جانشین محمد ضیف تعیین شود درحالی‌که نیروهای او به پیروزی رسیده و وی توسط جهان و مردم فلسطین تمجید می‌شود؛ آن هم نه‌تنها به دلیل صداقت و مسیر درستش بلکه به دلیل کسب دستاوردها. در مقابل فردی مانند هرتزی هالووی رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی بنابر اعتراف خود با پذیرش مسئولیت شکست در ۱۷ اکتبر، استعفا داده است.

بدون اطلاع از هویتش در دگربری نزدیک به خطوط نبرد به شهادت رسید. حضور فرماندهان در خطوط نزدیک به دگربری به همراه حجم بالای بمباران و کشتار در غزه دو عامل مهم در شهادت بسیاری از فرماندهان حماسند.

### نکات

۱. حماس و گروه‌های مقاومت حاضر به هزینه دادن هستند اما دیگر جریانات فلسطینی که در سمت سازشکاران قرار دارند منفعل شده‌اند. این مسئله پیش از این نیز وجود داشت، اما تکاپوی سنگین مقاومت در جنگ ۱۵ ماهه، شکاف این پدیده را بیش از پیش افزایش داد.

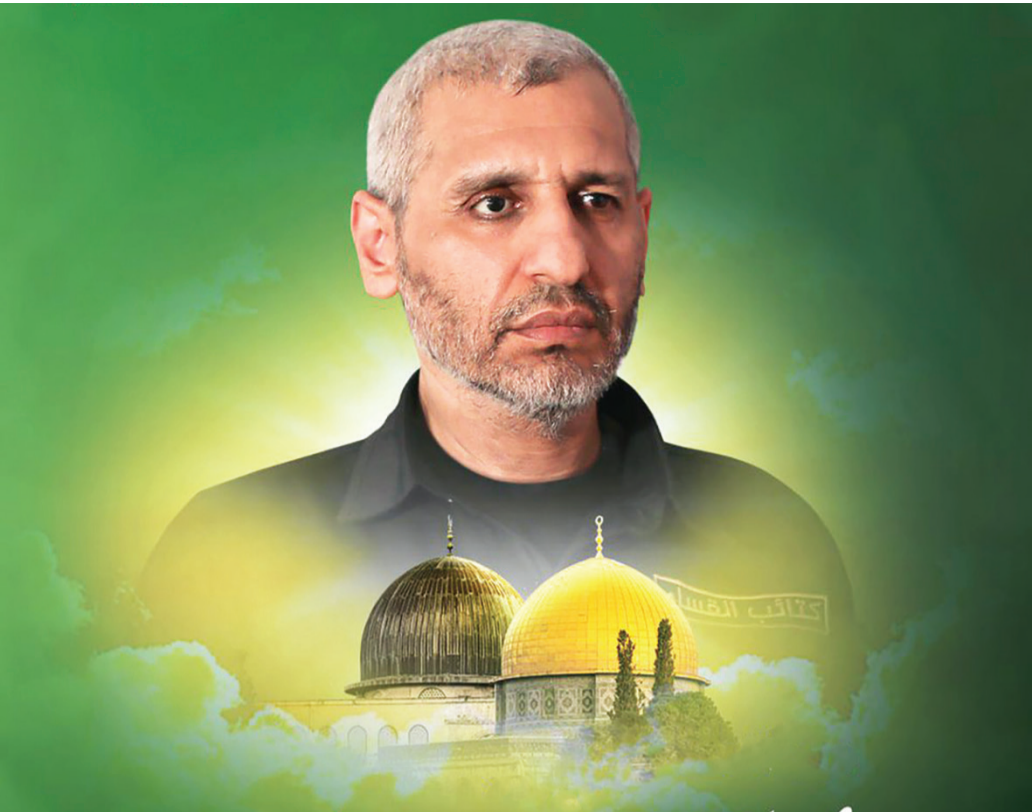
۲. هم مبارزه و هم مذاکره حماس به نتیجه می‌رسد، درحالی‌که جریان فتح تقریباً دست از مبارزه شسته و مذاکراتش هم نتیجه‌بخش نیست.

۳. یکی از مزایای فتح استفاده از انباشت شهادی آن بود که اسطوره‌های ملت فلسطین به حساب می‌آمدند. امروز اما تمام اسطوره‌ها به حماس و جهاد اسلامی تعلق دارند.

۴. بخشی از نیروهای فتح از طریق مبارزه حماس آزاد شدند. به عبارتی دیگر فتح با ابتکار حماس در حال نزدیک شدن به فضای مبارزه است.

۵. حماسا تا پیش از ۱۷اکتبر فراخ از تعریف هویتی دقیق در نگاه افکار عمومی جهانی یک گروه اسلامگرا بود. این نگاه در سایه تحولات منطقه ایجاد شده بود. پس از ۱۷ اکتبر اما حماس در افکار عمومی جهانی و غرب به عنوان یک گروه آزادیبخش دیده می‌شود. تنها نبردهای طولانی مدت نیستند که الهام‌بخشند، بلکه مبارزه اعضای حماس در مناطق ویران‌شده شهری، جدابیت‌های خاص خود را برای افکار عمومی داشت.

۶. مقاومت بیشتر از فرماندهانی که از دست داد، فرماندهان خود را از



زندان‌های رژیم آزاد کرد. بسا این حال تحول دلیلی بر پیروزی میدانی مقاومت نیست، زیرا مقاومت غزه حد فاصل شهادت فرماندهان و آزادی اسرا در مقابل رژیم صهیونیستی به پیروزی دست یافت.
۷. تقریباً همه فرماندهان نظامی مقاومت غزه روی زمین به شهادت رسیدند. این درحالی بود که آن‌ها می‌توانستند در مناطق امن‌تر نیز حضور داشته باشند. حضور میدانی آن‌ها اقدامی هیجانی یا برخلاف مصالح نبود، بلکه براساس ضرورت انجام می‌پذیرفت.
۸. به نظر می‌رسد یکی از دلایل خطر کردن فرماندهان نظامی حماس برای حضور میدانی اعتماد و اطلاع آنان از استحکام ساختاری و وجود نیروهای جایگزین بوده است؛ موضوعی که اثبات شد حقیقت دارد.
۹. ملت فلسطین به‌صورت یکپارچه تمام اقدام‌های خود را برای مبارزه ارائه کرد. در این جنگ غزه ویران‌شده، ۴۷ هزار نفر شهید، ۱۰ هزار نفر مفقود و بیش از ۱۰۰ هزار نفر زخمی شدند. همچنین اغلب فرماندهان عالی به شهادت رسیدند. برخی این پدیده را پیروزی رژیم صهیونیستی در تضعیف مقاومت فلسطین تفسیر می‌کنند درحالی‌که باطن آن مقاومتی‌تر شدن ملت فلسطین است.

۱۰. ملت فلسطین درحال نشان دادن جلوه‌های جدیدی از خود است. ملت فلسطین نه‌تنها به دلیل نبردهای آزادی‌بخشانه خود اعتبار زیادی در جهان کسب کردند، بلکه به دلیل جنایت‌ها و ظلم‌های زیادی که در حقشان شد، موفق شدند به یک جایگاه دیگر نیز نزدیک شوند. یهودیان پس از کشتارهای اروپا و به‌ویژه هولوکاست، توانستند احساس ترحم جهان را جلب کرده و از آن بهره ببرند. به نظر می‌رسد کشورهایی که در ظلم نسبت به فلسطینی‌ها نقش داشته‌اند باید در آینده این ظلم‌ها را جبران کنند.

و تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور است، لذا در چنین شرایطی بروز هرگونه بحران بین ایران و آمریکا با تحریک ترامپ برای مقابله با ایران که می‌تواند منجر به ناآرامی در منطقه و تشدید تنش‌ها شود، مانعی برای تحقق اهداف توسعه‌ای و رشد اقتصادی این پادشاهی است و درعین حال هرگونه توافق و مذاکراهی بین تهران-واشنگتن در این دوره که بتواند برنامه هسته‌ای ایران را محدود و تنش‌ها را کاهش دهد، در راستای منافع عربستان خواهد بود.

حضور مجدد ترامپ در کاخ سفید و زم‌مه‌های اولین سفر او به عربستان بار دیگر موضوع عادی‌سازی روابط سعودی‌ها و صهیونیست‌ها و تکمیل روند عادی‌سازی به رهبری دولت جدید آمریکا را برجسته کرده است. این در حالی است که در چهارسال گذشته تغییرات زیادی در منطقه به‌ویژه در رابطه با مسئله فلسطین رخ داده است. پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، در نتیجه جنایات و نسل‌کشی صهیونیست‌ها در غزه که به‌کشدن بیش از ۴۴ هزار فلسطینی و آواره شدن ۹۰ درصد جمعیت غزه منتهی شد، مسئله فلسطین بار دیگر به تیر اول روزنامه‌های دنیا تبدیل شد. در چنین شرایطی هرگونه مذاکره و گفت‌وگو بین سعودی‌ها و صهیونیست‌ها در راستای عادی‌سازی روابط، این کشور را با تبعات و مخالفت‌های زیادی در داخل و منطقه روبه‌رو می‌کرد. لذا در نتیجه جنگ اخیر در غزه، عربستان برقراری هرگونه روابط دیپلماتیک با این رژیم را در گر پذیرش شرط این کشور مبنی بر تشکیل کشور مستقل فلسطینی عنوان کرد، پیش شرطی که با مخالفت اسرائیل و نخست‌وزیر این رژیم، بنیامین نتانیاهو روبه‌رو شد. از طرفی رویکرد ترامپ در حمایت از سیاست‌های اسرائیل همچون به رسمیت شناختن قدس به‌عنوان پایتخت این رژیم و حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان از موانع موارد اختلافی در مسیر عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل بود. در حال حاضر نیز ترکیب کابینه همراهان ترامپ نشان از تداوم همان رویکرد پیشین در حمایت از اسرائیل دارد؛ رویکردی که منافع و اولویت‌های صهیونیست‌ها را در نظر خواهد داشت. در چنین شرایطی دو سناریو را می‌توان متصور شد؛ یکی اینکه اختلافات دو کشور در این خصوص به‌ویژه با توجه به موافقت ترامپ با اشغالگری بیشتر صهیونیست‌ها در کرانه باختری و شهرک‌سازی‌ها و عدم تمایل و انعطاف در تغییر این سیاست‌ها می‌تواند چالش بر روابط عربستان و آمریکا

برخلاف دوره اول ریاست جمهوری ترامپ که پادشاهی سعودی بر مهار و تضعیف ایران توسط آمریکا تأکید داشت و به‌طور صریح از مواضع سختگیرانه آمریکا در قبال ایران و اعمال فشار حداکثری از آن حمایت می‌کرد، اما پس از عادی‌سازی روابط تهران- ریاض پس از هفت‌سال، این کشور بر اتخاذ رویکرد محتاطانه‌تری در مقابل ایران تأکید دارد. نشانه‌های این تغییر در رویکرد می‌توان در اجلاس سران عربی-اسلامی به‌میزبانی عربستان سعودی دید که در این اجلاس محمد بن سلمان عربستان سعودی خواست به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران احترام بگذارد و به حملات خود علیه این کشور پایان دهد، همچنین این کشور تلاش کرد در جریان بالا گرفتن تنش‌ها بین ایران و رژیم صهیونیستی، مانع از همسویی و جانبداری سایر کشورهای عربی با اسرائیل در مقابل ایران شود. این تغییر رویکرد در راستای ثبات منطقه‌ای و به‌موازات آن دستیابی به اهداف توسعه‌ای

### چالش نفتی

دونالد ترامپ در سخنرانی روز پنجشنبه خود در نشست سالانه مجمع جهانی اقتصاد در داووس، ضمن اشاره به کاهش قیمت نفت، در عربستان و اوپک خواست تأقیمت نفت خام را کاهش دهند و حتی تداوم جنگ اوکراین را در ارتباط با بالا بودن قیمت نفت عنوان کرد. این درخواست ترامپ در صورتی مطرح می‌شود که دولت او از رهگذر کاهش قیمت نفت و افزایش عرضه آن، درصد افزایش تولید و صادرات آمریکا و مبارزه با تورم است. در این بین باید توجه داشت عربستان سعودی پس از آمریکا بالاترین میزان تولید روزانه نفت در جهان دارد. این کشور در همسویی با دیگر اعضای سازمان اوپک، تلاش کرده از کاهش قیمت نفت جلوگیری کند؛ چراکه تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان در گرو افزایش قیمت نفت است و هرگونه تغییری در افزایش عرضه و کاهش قیمت، چالش‌هایی را در تنظیم بودجه این کشور ایجاد خواهد کرد، بنابراین این احتمال وجود دارد که استراتژی ترامپ برای بهبود اقتصاد آمریکا باعث افزایش تولید نفت این کشور شود. موضوعی که می‌تواند اثرات نامطلوبی بر عربستان سعودی داشته باشد، چالشی در مسیر برنامه توسعه ۲۰۳۰ این کشور باشد و رقابت دو کشور برای تصاحب سهم بازار را تشدید کند. وزیر اقتصاد عربستان در حاشیه اجلاس داووس در پاسخ به خبرنگاران مبنی بر درخواست ترامپ برای کاهش قیمت نفت توسط این کشور اعلام کرد موضع عربستان سعودی و اوپک، حفظ ثبات بازار نفت در بلندمدت است.

### مسئله ایران

برخلاف دوره اول ریاست جمهوری ترامپ که پادشاهی سعودی بر مهار و تضعیف ایران توسط آمریکا تأکید داشت و به‌طور صریح از مواضع سختگیرانه آمریکا در قبال ایران و اعمال فشار حداکثری از آن حمایت می‌کرد، اما پس از عادی‌سازی روابط تهران- ریاض پس از هفت‌سال، این کشور بر اتخاذ رویکرد محتاطانه‌تری در مقابل ایران تأکید دارد. نشانه‌های این تغییر در رویکرد می‌توان در اجلاس سران عربی-اسلامی به‌میزبانی عربستان سعودی دید که در این اجلاس محمد بن سلمان عربستان سعودی خواست به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران احترام بگذارد و به حملات خود علیه این کشور پایان دهد، همچنین این کشور تلاش کرد در جریان بالا گرفتن تنش‌ها بین ایران و رژیم صهیونیستی، مانع از همسویی و جانبداری سایر کشورهای عربی با اسرائیل در مقابل ایران شود. این تغییر رویکرد در راستای ثبات منطقه‌ای و به‌موازات آن دستیابی به اهداف توسعه‌ای